

دکتر عبدالغفار انصاری

رئیس بخش فارسی دانشگاه بهاگلپور هند

يك نفر ایرانی که نخست نواب اوده بوده

دکتر عبدالغفار انصاری، رئیس بخش فارسی دانشگاه بهاگلپور (هند) این يك نفر ایرانی که بود؟ ما باید بدانیم که برهان الملك بهادر شخصی بود که نخست نواب (استاندار) او ده شده بود - نامش محمد امین و وی در نیشابور متولد شده بود - سلسله نسبش تا حضرت امام موسی کاظم (ع) می رسد - ما می دانیم که در هند در دوره مغول بیشتر برادران ایرانی بر منصب بزرگ بودند - سرزمین هند در حالت درماندگی و بیکیسی محمد امین را پناه داده بود

از احوال دوره اول زندگانی وی ما اطلاعاتی نداریم باین علل که تذکره ها و تواریخ خاموش اند - البته وی چون به هند رسید از آن وقت احوالش را مامی یابیم - سنه پیدایش وی هم معلوم نه شد لیکن دکتر اشیربادی لال نوشته است که چون وی تقریباً در بین شصت سالگی بدرود حیات گفت باین علت این توان گفت که وی تقریباً در حدود ۱۶۸۰ متولد شده باشد - برهان الملك قد بلند، ابروی کشاده و ریش خردمی داشت البته در پیری ریش درازی داشت - رنگش سفید و تنش قشنگ بود لیکن لباس ساده می پوشید.

پدر محمد امین، میر محمد نصیر همراه پسر بزرگ خود محمد باقر در

او آخر سنه ۱۷۰۷ در جستجوی معاش عازم هند شد و به بنگال رسید - وی بعداً در پتنه اقامت گزید (۱) - مرشد قلی خان ، استاندار بنگاله و بهار بروی مهربانی‌ها نمود - آن وقت محمد امین در نیشابور با عم و پدر زن خود میر - محمد یوسف زندگانی می‌کرد - وی در سنه ۱۱۲۰ هـ مطابق سنه ۱۷۰۹ برای دیدن کردن پدر و برادر بزرگ خود به پتنه آمرلیکن چند ماه قبل پدرش بدرود حیات گفته بود - پس از آن هر دو برادر در جستجوی معاش به دهلی آمدند و در سنه ۱۷۱۰ به ملازمت سر بلند خان پیوستند (۲)

دکتر اشیربادی لال نوشته است که برهان‌الملک محمد امین را پادشاه فرخ‌سیر منصب هزاری بخشیده بود و بعداً محمد شاه وی را در سنه ۱۷۱۹ فوجداری هندوان و بیانه مرحمت کرده بود - در سنه ۱۷۲۰ محمد شاه وی را خطاب سعادت‌خان داد - بتاريخ ۱۵ اکتبر سنه ۱۷۲۰ وی استاندار آگره شده بود - به علت شجاعت و جوانمردی خود جات‌ها را شکست فاحش داده به این سبب محمد شاه وی را خیلی عزیز می‌داشت و احترامش می‌کرد - بتاريخ ۹ سئامبر سنه ۱۷۲۲ وی استاندار او ده شد - به علت شجاعت و حکمت عملی خود وی بنارس ، غازی پور ، جوپور و هم چنارگره را زهر نگین خود کرد

برهان‌الملک صاف گو لیکن تیز مزاج بود - البته بر دوستان مهربان بود وی بد طبیعت و بیهوده گو نبود بلکه بسیار مهذب و خوش مزاج بود - نامور تذکره نگار واله داغستانی رقم کرده که در دهلی وی نزد خانهٔ برهان‌الملک

(۱) تا حال بر نام میر محمد باقر محله باقر گنج در تته است - (۲) تاریخ

عبدالسعادت مخطوطه

اقامت می داشت و در میان هر در محبت فراوان و خلوص بود - گاه گاه چون به دهی می آمد شب و روز با وی صحبت می شد - وی بهر واله داغستانی هم بسیار مهربان بود (۱) - حاکم (۲) لدهوری، آزاد (۳) بلگرامی، بهگوان داس هندی (۴)، قدرت الله (۵) و نیاز فتح (۶) پوری رقم کرده اند که واله داغستان به سفارش و کمک این برهان الملك محمد امین دربار محمد شاه منصب چهار هزار یافیه بود - از این پس روشن می شود که در فطرت برهان الملك مروت و حمیت بود - وی بر سپاهیان خود هم مهربان بود و بر آنها نوازش می کرد - سی رویه (تومان) ماهانه تنخواه می داد و تحفه بوقت ضرورت فرض هم می داد - پس از وفات وی این معلوم شد که دو کروور و چند پیه سپاهیان خود را وی بطور قرض داده بود ازین فکر توان کرد که در خزانه استان اوده وی چه قدر مال و زر ذخیره کرده بود - کارهای استانداری را وی هم با بسیار دانشمندی و خوبی بانجام می رساند - در شجاعت و جوانمردی نمونه اجداد خود بود - وی سپاهیان خود را هم جفاکش و دلیر کرده بود - می گویند که سپاهیانش هر روز را چهل فرسنگ باسانی طی توان کرد - دکتر اشبیر بادی لال تاریخ نویس هند نوشته است که در برهان الملك همه خوبی های جنگجوی نامور بود و عزمش مثل فولاد توانا بود - وی در همه جنگها که جنگید کارهای شجاعانه انجام داد - چون استاندار اوده بود پنجاه هزار سپاهیان دلاور می داشت - واله داغستان نوشته است که گاه گاه اشعار سپاهیان هم می گفت و امین مخلص می داشت - شعر ذیلا ازوست :

(۱) ریاض الشعرا مخطوطه (۲) مردم دیده (۳) خزانه عامره (۴) سفیه هندی

(۵) نتایج الافکار (۶) نگار سنه ۱۹۶۳

ز کدام ره بیایم که بچشم تو در آیم که بدور چشم مست همه نیزه سیاهت
مقام برهان الملك در میان نظام الملك آصف جن خان دوران و
قمرالدین خان وزیر ممتاز بود - هر سه بر صلاحیت و شخصیت وی رشک
می کردند - دکتر اشیربادی لال نوشته که برهان الملك از سه ماه در زخم پا
مبتلا بود که بسر سرطان مبدل گشته بود با وجود آن وی از فیض آباد راه يك
ماه پیموده به کرنال رسید و با سپاهیان نادرشاه جنگید - غلام حسین خان (۱)
رقم کرده که در ساخت کرنال پادشاه محمدشاه و امرای وی انتظار برهان الملك
به شدت می کردند.

این جا این ذکر کردن بی جا نخواهد شد که تا نادرشاه افواج خود را
دو بخش کرده بود - یکی را در خیمه داشته بود .
دیگری می جنگیدند - درین جنگ صمصام الدوله مجروح و بیهوش شده در
خیمهٔ خود آورده شده بود و بتاریخ ۱۹ ذی قعد سنه ۱۱۵۱ هـ وی بدرود حیات
گفت - آن ساعت برهان الملك محمد آهین در میدان جنگ بود - بعضی از
دوستانش کشته شدند و بعضی ها در اضطراب و چرانی بودند - افواج نادرشاه
هر چهار اطراف حمله کردند - برهان الملك درین جنگ اسیر شده پیش نادر
شاه آورده شد - بتاریخ ۱۹ مارس سنه ۱۷۳۹ مطابق ۹ ذالحجه در سن شصت
سالگی بدرود حیات گفت دکتور اشیربادی لال بحواله وقایع شاه عالم ثانی
نوشته که برهان الملك زهر خورده هلاک شد - نامور تاریخ نویس انگلیسی
DOW هم این نوشته است - البته غلام حسین (۲) رقم کرده که در پای برهان

الملك سرطان شده بود و باین علت بدرود حیات گفت - از سرگ برهان
الملك در هند ماتم برپا شد به علت این که هندیان از يك استاندار جنگجو
دلیر و مهربان محروم شد - واله داغستانی این غم و اندوه هندیان را در قطعه خود
رقم کرده :

دور از تو سپهر و از گون می گرید بنگر که زمانه به تو چون می گرید (۱)
رفتی ز جهان و پشت شمشیر شکست با قامت خم همیشه خون می گرید

شاهان قطب شاهیه چونکه اصلا از ایران بودند و مذهبشان شیعه
بود و شاهان صفوی حامی و مروج آن مذهب بودند از اینرو میان
آن در خانواده یکی در ایران و دیگری در جنوب هند علاقه
خصوصی بود چنانچه شاه عباس بزرگ سفیر بدربار قطب شاهی
باتحف و هدایا که از آنجمله تاج مرصع و شمشیر زرنگار و خنجر
جواهر نشان و پنجاه راس اسب و اشیاء دیگر فرستاد و هر گاه
سفیر بمرز قطب شاهی رسید با احترام و گرمی پذیرفته شد .

(تاریخ زبان و ادبیات ایران در خارج ایران)